

سیاست علوی روایت سوم؛ حساب آخرت

عنه عليه السلام - من كلامه لما أراد المسير الى ذى قار - با يعتموني و أنا غير مسرور بذلك، ولا جذل، و قد علم ا... سبحانه أنى كنتُ كارهاً للحكومة بين أمة محمدٍ صلى... عليه و آله؛ و لقد سمعته يقولُ : ما من و ال بلى شيئاً من أمر أمتي إلا أتى به يوم القيامة مغلولاً يده الى عنقه، على رؤوس الخلائق ثم يُنشر كتابه، فان كان عادلاً نجا، و ان كان جائراً هوى.

امام علی علیه السلام - از سخنان او به هنگام حرکت به سوی ذی قار - : با من بیعت کردید، در حالی که بدان، شادمان و خوش حال نبودم. خداوند سبحان می‌دانست که من حکومت بر امت محمد را خوش نمی‌داشتم؛ چرا که شنیده بودم پیامبر خدا می‌فرمود: «هیچ فرمانروایی نیست که کاری از امت مرا بر عهده گیرد، جز آن که روز قیامت، در حضور مردمان آورده شود در حالی که دست‌هایش به گردنش بسته است. آنگاه پرونده‌اش گشوده شود اگر عدالت پیشه باشد، رهایی یابد و اگر ستمگر باشد سقوط کند. (محمدی ری شهری ۱۳۹۰: ۱۴۸ به نقل از بحارالانوار : ۳۲ / ۶۳، شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۳۰۹/۱)

این روایت قسمتی از خطبه امام علی علیه‌السلام هنگام بیرون آمدن از مدینه در مسیر ذی قار است. اصل خطبه در نهج البلاغه نقل نشده است. ذی قار، منطقه‌ای در نزدیکی بصره است. در آن هنگام طلحه و زبیر به بهانه گزاردن حج عمره همراه با عده‌ای از مدینه خارج شدند و در مکه عایشه را با خود موافق دیدند. پس سپاهی به قصد خون‌خواهی عثمان تدارک دیدند و در حالی که عایشه را همراه خود داشتند سوی بصره حرکت کردند. طلحه و زبیر در بصره بسیاری از شیعه امیرالمومنین علی علیه‌السلام را کشتند. وقتی این خبر به آن حضرت رسید که به ذی قار رسیده بود. پس، فرزند خود حسن علیه‌السلام و عمار یاسر به کوفه فرستاد تا مردم آنجا را برای جنگ با سپاه طلحه و زبیر بسیج کنند. مخالفت ابوموسی اشعری که در دل عداوتی امیرالمومنین (ع) داشت، تأثیر نداشت و نه هزار کس از مردم کوفه سوی امام علی علیه‌السلام در ذی قار عزیمت کردند. بدین ترتیب لشکری نوزده هزار نفری به فرمان امیرالمومنین (ع) بسیج گشت. (ابن اعثم کوفی، ۱۳۸۰: ۴۱۵). زید بن صوحان از اصحاب رسول خدا صلی... علیه و آله که او نیز همراه حسن بن علی علیه‌السلام و عمار یاسر، کوفیان را در حمایت از امام علی علیه‌السلام نصیحت کرده بود، گوید در ذی قار همراه علی علیه‌السلام بودم و او عمامه‌یی سیاه بسته بود و جامه‌یی سبز که به سپاهی می‌زد به خود پیچیده و خطبه ایراد کرد. (ابن ابی الحدید، ترجمه محمود مهدوی دامغانی ۱۳۸۵: ۱۵۱)

این اولین بسیج نظامی امیرالمومنین برای جنگیدن با مخالفان است. پس لازم است در هر فرصت پیش آمده دلیل تدارک چنین سپاهی و روشنگری پیرامون تاریخ سیاسی اسلام از زمان رحلت رسول... صلی... علیه و آله تا امارت خود و نیز عهدشکنی افرادی چون طلحه و زبیر را برای سپاه اسلام بیان فرماید تا تردیدی برای کس نماند که شاید مصلحت در نجنبیدن باشد. امام علی علیه‌السلام در چند جای درباره کراهت خود از پذیرش امر حکومت سخن گفته است. یکجا دلیل عدم پذیرش را به تحولات سیاسی و اجتماعی پیش آمده بعد از رحلت رسول... صلی‌اله علیه و آله، نسبت داده است. زمانه گونه‌ای دیگر ورق خورده تاب ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام را ندارد. اما آن حضرت قطع نظر از اوضاع سیاسی و

اجتماعی حاکم بر مدینه النبی (ص)، دلایل عقیدتی هم برای نپذیرفتن حکومت ذکر کرده‌اند که یک مورد آن همین فراز از خطبه‌ای است که در ذی قار برای سپاه اسلام بیان فرموده است.

امام علی علیه‌السلام گرانی و سنگینی بار حکومت را با نقل سخنی از رسول ... صلی اله علیه و آله توضیح داده است. نباید هیچکس گمان کند حکومت گری عملی این جهانی است و با مرگ حاکم خاتمه یافته هیچ اثری در جهان آخرت بر آن مترتب نیست. هرگز چنین نیست. هر حکومت و حکومت گری دفتری جاودانه دارد که روز قیامت گشوده خواهد شد و به عدالت محاسبه می‌گردد. محاسبه اصلی ولایت نه در دنیا که در آخرت انجام می‌شود. زیرا بسیاری از اسرار حکومت گری حاکمان در دنیا نامکشوف باقی می‌ماند و کس یارای آشکارسازی آن را ندارد تا چه رسد به آن که بخواهد محاسبه و مجازات کند. پس در روز قیامت همه حقایق آشکار و پنهان عمل حاکمان مکشوف گشته آنگاه حضرت حق تعالی داوری کند. در آن روز، دفتر حکومت حاکمان باز می‌گردد و به یکایک برگ‌های این دفتر نظر می‌شود تا مشخص گردد جزء حاکمان رستگار است یا از جماعت حاکمان زیان کار. پایه داوری نامه‌ای اعمال حاکمان عدالت ورزی است. حاکمی که به قدر میسور با مردم و اتباع خود از روی عدل و داد رفتار کرده، حق هر صاحب حقی را به او اعطا کرده و دست چپاولگران بیت المال و اموال عمومی را کوتاه کرده کارگزارانش را از ستم بر رعیت مانع شده است. چنین کسی، دست‌های بسته به دور گردنش باز خواهد شد و رهایش می‌کنند. اما آن حاکمی که در مدت حکمرانی خود بر مردم ستم روا داشته است و کارنامه‌ای غیر از ظلم و ستمگری، چیز دیگری از خود بر جای نگذاشته است، در آتش جهنم سقوط خواهد کرد. پس سنگینی حکومت اخروی است و چون حضرت وصی علیه السلام از این امر آگاه است؛ هیچ تمایلی به پذیرش حکومت نداشت و آنگاه که با ایشان بیعت کردند، ابراز شادی و خرمی نکرد. چنین احساسی برای دنیا طلبان خوش است نه برای مردان خدا. قرآن کریم می‌فرماید، اهل دنیا به حیات دنیوی خوشنودند و آن را بر حیات اخروی ترجیح می‌دهند حال آن که متاع و فواید دنیوی برابر آنچه که در آخرت نصیب انسان می‌شود، ناچیز و قلیل است: ارضیتم بالحیوة الدنیا من الآخرة فما متع الحیوة الدنیا فی الآخرة الا قلیل (توبه / ۳۸).

روایتی که حضرت وصی علی علیه السلام از رسول خدا صلی ... علیه و آله نقل فرموده است، گواهی محکمی بر عدم جدایی دین از سیاست است. حسب فرمایش پیامبر خدا (ص)، اساساً حکومت امری اخروی تلقی شده است. یعنی محاسبه حقیقی و درست کارنامه حکمرانان و کارگزارانشان، نه در این جهان که در آخرت انجام می‌شود و این امر مقتضای عدل و داد الهی است. زیرا بسیاری از آنان بی‌آنکه به خاطر ظلم و ستم‌هایی که بر مردم روا داشته‌اند؛ مجازات شوند، از این جهان می‌روند. بسیاری از کارگزاران حکومتی بوده و هستند که مردم را از رسیدن به حقوق شان محروم کرده یا حقوق رعیت را ضایع کردند و به تدریج از صحنه سیاست خارج شدند و دوران کهنسالی را بی‌دردسر و در نهایت آرامش به پایان می‌رسانند و هیچ مرجع دنیوی هم نبوده و نیست که آنان را به خاطر آنچه کرده‌اند، بازخواست کند. از عدالت خداوند سبحان دور است که در روز جزاء کارنامه اعمال حکومتی آنان را - چه آن کسانی که به عدل رفتار کردند و چه آنان که حکومت ظالمانه داشتند - باز نکند و محاسبه نماید. وعده الهی است که روز قیامت، عمل هر کس حتی اگر سنگینی آن عمل به اندازه ذره‌ای ناچیز باشد، محاسبه می‌شود. آن گاه اگر آن عمل خیر باشد؛ پاداش آن را خواهد دید و اگر شر باشد؛ جزای عمل شر خود را خواهد دید: فمن يعمل مثقال ذرة خیراً یره و من يعمل مثقال ذرة شراً یره (زلزله : ۷ - ۸) گمان نمی‌رود هیچ عمل عمل خیر یا شری، سنگین‌تر از عمل حاکمان و کارگزارانش باشد. پس، به طور قطع و یقین، در روز جزاء اول پرونده‌ای که برای حسابرسی باز می‌گردد؛ نامه اعمال حکومتگران است.

سخن نبی مکرم اسلام صلی ... علیه و آله حامل دو نکته دیگر نیز است. نخست آنکه اصل بر آن است که حکومتگران از روی عدل و داد؛ مردم رفتار نکرده‌اند. لذا همه حاکمان در حالی محسور می‌شوند که دست‌هایشان برگردنشان بسته است. پس از محاسبه الهی، اگر معلوم گردد که آن حاکم یا کارگزار به عدالت رفتار کرده دست‌هایش باز خواهد شد و اگر ستمگرانه عمل کرده، با همان حال دست بسته در جهنم سقوط خواهد کرد. دوم آن که حسابرسی نامه حاکمان و کارگزاران حکومتی در پیش مردم انجام خواهد شد (علی رؤوس الخلائق) تا آنان که از ناحیه حاکم و کارگزاری برایشان ظلم و ستمی رفته یا عدالتی برایشان رفته است؛ مشاهده کنند که خداوند هیچ عمل حاکمی را از نظر دور نداشته است.